

سلسله گزارشات مورد بحث

مرکز تحقیق برای صلح و انکشاف افغانستان، پوهنتون دوشیسا

ابتکار دوشیسا برای مذاکرات آشتی افغانستان

دکتر. حسن کو ناکاتا

مقدمه

قتل برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح و رئیس جمهور اسبق افغانستان بتاريخ 20 سپتمبر 2011 صریحاً نمایانگر فروپاشی به اصطلاح "گفتگو های صلح" که از سوی رئیس جمهور کرزی و ایالات متحده امریکا آغاز شده بود، بشمار میرود. ولیکن، برای تامین صلح نیاز است تا مذاکرات واقعی را از سر آغاز نماییم.

گفتگو های صلح که از جانب مرحوم استاد ربانی آغاز یافته بود از همان حله نخست در حقیقت با شکست و ناکامی مواجه گردید. امارت اسلامی افغانستان (دولت طالبان) در وب سایت رسمی خود مکرراً و بطور قاطعانه گفتگو های صلح را رد نمودند و ادعا نمودند که هر نوع مذاکره تحت اشغال نظامی نیروهای خارجی به نتیجه نخواهد رسید. از طرف دیگر، دولت کرزی و ایالات متحده هیچگاهی بطور رسمی امارت اسلامی افغانستان به رهبری امیر المومنین ملا امر را بحیث یک نهاد مستقل سیاسی سازمان یافته در مذاکرات برسمیت نشناخته اند.

بنابراین ضرورت است تا روش کاملاً جدیدی را برای مذاکرات صلح در افغانستان اختیار نمود که برای دولت کرزی (جمهوری اسلامی افغانستان) و ایالات متحده امریکا منحصبت حامی دولت کرزی و نیز برای امارت اسلامی افغانستان (دولت طالبان) مورد قبول باشد.

1. پیشینه ی موضوع:

- I. پس از ورود ایالات متحده امریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان در سال 2001 و بعد از فروپاشی دولت طالبان (امارت اسلامی افغانستان: 1996 – 2001، که از ای بیبید بنام امارت مسمی می باشد)، وضعیت امنیتی بطور متداوم وخیمتر گردیده است.
- II. امارت از زمان از دست دادن قدرت در سال 2001 به طور کامل، دوباره پشتیبانه های (عمدتاً منفی) خود را بدست آورده است و گفته میشود که 70% خاک کشور را تحت کنترل خود قرار دارند.
- III. امارت یگانه دولتی بود که توانست امنیت را در اکثریت مناطق کشور به تامین کند و نیز تجارت مواد مخدر را در اواخر حکومتداری از بین ببرد.
- IV. دلایل اصلی افزایش حرکت های شورشگری در افغانستان خشم مردم در مقابل "خسارات جانبی" می باشد که منجر به قربانی شدن مردم ملکی ناشی از حملات نیروی های آیساف می باشد.
- V. فکر می شود که وخیم تر شدن وضعیت امنیتی و بازگشت امارت ناشی از حکومت داری ضعیف کرزی و آیساف می باشد.
- VI. در سال 2001 و پس از حملات ایالات متحده، امارت حمایت مردم افغانستان، که در آن زمان به دلیل حکومت داری خشن و بیرحمی ها و ظلم و ستم که بالای مردم کشور متحمل میشدند به حمایت منفی مبدل گردیده بود، را از دست دادند. ولیکن، جنگ سالاران اتحاد شمال و و سایر جنگ سالاران مرتکب نقض حقوق بشر بطور گسترده تر شدند که این امر مردم را مجبور ساخت تا به عوض جنگ سالاران، امارت را قبول نمایند و در نهایت امارت توانست جنگ سالاران را بدون تأخیر از صحنه بیرون رانند.

2. چارچوب عمومی برای مذاکره:

- I. حین ایجاد یک چارچوب لازم تا بدانیم که مذاکرات بین دو جانب ی صورت میگیرد که آنها دارای یک مرجع حقوقی مشترک نمی باشند.
- II. سیستم مرجع حقوقی دولت کرزی و ایالات متحده "حقوق بین الملل" میباشد که متمایل و قابل مقایسه با حقوق غرب میباشد در حالیکه مرجع حقوقی امارت شریعت اسلامی و یا فقه الهی است.
- III. حقوق بین الملل غرب و شریعت اسلامی دارای عناصر و نقاط مشترک میباشد و لیکن احتمالاً این نقاط مشترک اندک و محدود باشند.
- IV. هر دو جانب بمنظور یافتن یک راه حل برای مشکلات مربوطه متصل به یک کمسیون خاص شده و با مراجعه به روسوم واقعی عرف جهانی تلاش نمایند و از تطبیق قوانین خود بالای دیگری اجتناب ورزند.
- V. هر دو جانب باید به مراجع حقوقی یکدیگر احترام داشته باشند، بدین معنی که آنها اعتبار قوانین گروه دیگر را در قلمرو شان به رسمیت بشناسند. به عبارت دیگر، در قلمرو جانب دیگر باید قوانین آنها را مراعات نمود و از نقض قوانین شان جلوگیری به عمل آورد.

3. مسایل:

- I. نیرو های خارجی آیساف به بهانه جنگ علیه القاعده که فعالیتهای آنها امنیت غرب را تهدید میکند افغانستان را اشغال نموده اند. در حالیکه حقیقت که رهبری گروه القاعده و سربازان آن گروه در حال حاضر در پاکستان می باشند نه در افغانستان روشن شده است.
- II. شورشیان که عمدتاً متشکل از طالبان (مجاهدین امارت) میباشد در حقیقت علیه مردم غرب که در کشورهای خود زندگی میکنند جنگ نموده بلکه آنها علیه نیرو های اشغالگر خارجی که مردم افغان که در میان آنها شورشیان هستند را به قتل می رسانند، مبارزه میکنند.
- III. تعداد شهروندان افغان که به اثر اشغال نیرو های خارجی کشته و متضرر گردیده اند به مراتب بیشتر از آنچه است که آیساف بطور رسمی اعلان نموده، اگر چه اکثریت "خسارات جانبی" توسط شورشیان در موقع حمله بالای نیروی خارجی و یا بالای دولت کرزی اتفاق افتاده است.
- IV. زمانیکه جنرال مک کریستال برای قربانیان ملکی افغان \$2500 را پیشنهاد کرد، افغانها خشمگین گردیدند زیرا این عمل مخالف اصول عدالت، مساوات و بشریت بود.
- V. به هر دلیل که باشد، حقیقت اینست که افغان ها بحیث قربانیان جنگ ها داخلی همچنان باقی ماندند و مشکلات زیاد را متحمل گردیدند.
- VI. اکثریت افغان ها در داخل و خارج از افغانستان به این عقیده اند که میلیارد ها دالر که بنام کمک به افغانستان بمصرف رسیده است در واقع توسط کمپنی های غربی، سازمان های غیر دولتی (انجو ها) و افراد شان بمصرف رسیده و توسط جنگ سالاران، سیاستمداران، و تاجران که دارای روابط سیاسی اند غصب گردیده است، حالآنکه مردم عادی کمترین فایده را از این کمکها بدست می آورند.
- VII. مردم بیگناه توسط نیرو های خارجی آیساف و گروه های شورشی به رهبری طالبان مجاهد به قتل رسیده اند. بعضی گروه های شورشی که وابسته به طالبان ادعا شده اند مرتکب جرائم تحت نام احکام اسلامی و رفتار بی رحمانه با مردم کشور گردیده اند.
- VIII. سوء تفاهم های در مورد طالبان وجود دارد و آنهم بیشتر بخاطر تصاویر تحریف شده ی است که توسط رسانه های تحت کنترل گروه های ضد طالبان قرار داشتند و یا در خارج از افغانستان موقعیت دارند انعکاس یافته است. بطور مثال: گفته شده است که "طالبان آموزش را برای دختران ممنوع کرده بودند" اما حقیقت اینست که آموزش برای دختران بدلیل "آموزش نا سالم" بدلیل کمبود منابع موقتاً ممنوع اعلان شده بود.
- IX. بدون در نظر داشت تهمت های مختلف علیه طالبان، در حقیقت گروه های شورشی طالبان "دولت غیر رسمی" و گروه های مسمی خود آنها به طالبان "مرتکب نقض گسترده ی حقوق بشر و قوانین شرعی شده اند. این اعمال میتواند بدلیل

- تحصیلات عالی اسلامی نادرست و ناکافی و همچنان ضعف در هنگام فرماندهی بین آنها صورت گیرد زیرا نهاد های پنهانی تحت نظارت شدید قرار دارند.
- X. نام طالبان حیثیت سمبول مقاومت ملی را بخود گرفته است. رئیس جمهور کرزی باری در قندهار گفت که او با گروه طالبان خواهد پیوست اگر فشار های غرب بالای او ادامه پیدا کند.
- XI. حالا نیرو های غربی نیز ضرورت اینکه با طالبان مذاکره صورت گیرد را تصدیق میکنند. گفته میشود که یکتعداد پالیسی سازان امریکایی (بشمول رئیس جمهور برک اباما و وزیر خارجه هیلری کلنتون) تصمیم گرفته اند که مذاکرات را با طالبان آغاز کنند. احصائیه نشان میدهد که 90% افغانها نیز با صلح با طالبان موافق هستند.
- XII. از جانب دیگر، سیاست مداران و جنگسالاران اسبق در دولت کرزی و همچنان فعالین حقوق بشر مخالف مذاکرات صلح با طالبان میباشند. آنها ادعا میکنند که طالبان نباید در دولت سهم داشته باشند زیرا آنها به حد زیاد مرتکب جنایت قتل عام و نقض حقوق بشر در زمان حکمروایی خود گردیده اند.
- XIII. هر چند جای شک نیست که امارت مرتکب نقض حقوق بشر و قوانین شرعی شده است اما تعداد زیاد جنگسالان که بیشتر از طالبان ظلم کردند هم اکنون کرسی های بلند دولتی را در اختیار دارند.

4. راه حل ها:

- I. زمانیکه وضعیت فعلی افغانستان بررسی شود، منطقی ترین تصمیم برای حل بحران متذکره این خواهد بود که امارت، بحیث فعال اصلی گروه های شورشی و "دولت پنهانی" ملی، مسئول حکومت داری و امنیت افغانستان تعیین شوند. این کار باعث میشود که آنها جای دولت فعلی و نیرو های خارجی که بی کفایتی آنها با توجه به مصرف رسانیدن مقدار زیاد پول بنام بازسازی افغانستان ثابت شده است، را بگیرند.
- II. با وجود نقض بیشمار حقوق بشر در زمان حکومت داری طالبان، در حال حاضر این مهم است که فعالیتهای ضد طالبانی را متوقف نمود و تلاش ها برای مذاکرات دوباره آغاز شود همانطور که جنگسالاران اسبق که در زمان حکومت داری خود مرتکب نقض حقوق بشر شدند و به پروسه صلح سهم داده شدند.
- III. مهم است تا این مذاکرات جمهوری اسلامی افغانستان را که تحت سلطه کامل نیروی های خارجی اساس گذاری شده و مشروعیت غیر رسمی را بدست آورده است با دولت مشروع و ملی سابق امارت اسلامی افغانستان که صلح و امنیت را بعد از جنگهای داخلی تامین نمود، یکجا کند. برخلاف، از یکجا نمودن امارت با جمهوری اسلامی باید جلوگیری شود.
- IV. نقش یوناما (هنیت معاونت ملل متحد در افغانستان) در حل مشکلات متذکره آماده ساختن کمک های مالی و تخنیکی بوده و انتقال صلح آمیز قدرت در پروسه یکجا سازی جمهوری اسلامی افغانستان با امارت را تضمین نماید.
- V. شکل نهایی امارت و قانون اساسی با خواست مردم، از طریق لویه جرگه و در زمان مناسب تصمیم گرفته شود. قانون اساسی بر مبنای قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی افغانستان با یک اندازه اصلاحات لازمه ترتیب داده شود.
- VI. یوناما باید رشد تعلیمات اسلامی را در امارت حمایت نماید تا از نقض حقوق بشر که در قوانین شرعی تضمین شده جلوگیری شود.
- VII. در رابطه به رشد آموزش برای زنان، مودل عربستان سعودی جائیکه میزان محصلین دختر پوهنتون ها 56.8 فیصد در سال 2010 را تشکیل میداد بنابر مشترکات سنتی اجتماعی این دو کشور پیشنهاد می گردد.
- VIII. امیر المومنین، رئیس دولت، در قندهار مستقر و ارگان های اداری حکومت در کابل باشند و برای شهر کابل حیثیت خاص یک مکان "شهر نشین (کازماپولیتن)" را داده شود که در آن خارجی های غیر مسلمان "اهل الدهمه" و "مستامن" بتوانند از آزادی عقیده و مذهب که در شرعیت اسلامی تضمین شده بهره ببرند. شهروندان مسلمان افغان با مسولیت خود نزد خداوند بتوانند با خارجی ها معاشرت نمایند.
- IX. دین کشور دین اسلام بوده بر اساس تفسیر قرآن شریف و سنت توسط مکتب فقه حنفی که هیات علما مشورتی در حضور امیرالمومنین آنرا ارشاد نماید. آزادی عقیده دیگر مکاتب اسلامی تضمین شود و قضایای حقوقی بین مسلمان های شیعه مذهب در مناطق اکثریت شیعه نشین توسط قاضی شیعه حل و فصل گردد.
- X. امنیت شهر کابل در هنگام انتقال قدرت از سوی نیروی خارجی آیساف تامین شود. پس از آن آیساف از نیرو های اسلامی مانند عساکر ترکیه و دیگر کشور های اسلامی تشکیل شود و ساحه مسولیت عساکر غیر مسلمان تنها در محدوده امنیت سفارتخانه ها باشد.

- XI. کشور های غربی که مدافع حقوق بشر، آزادی، مساوات و دموکراسی لیبرال هستند باید کمکهای مالی، حقوقی، رویه ای، و تخنیکی را برای شهروندان افغان که میخواهند مهاجرت کنند، آماده سازند.
- XII. امارت باید ثابت نماید که آنها از مؤسسات که بنام افغانستان علیه کشورهای غربی حملات نظامی انجام میدهند جدا هستند.
- XIII. حق انتقام گیری برای قربانیان جنگهای داخلی از دوران مجاهدین تا به الحال بدون در نظر داشت این که مجرمین چی کسان بودند بشمول عساکر جنگ سالاران افغان، طالبان، نظامیان آیساف و یا خدمه های کمپنی های امنیتی غربی، باید صرف نظر گردد. از طرف دیگر، عساکر که باید توسط محکمه نظامی محکمه گردند باید قوانین کشور مربوطه شان بالای شان تطبیق گردد.
- XIV. بجای حق انتقام، برای فامیل های قربانی و داغیده باید غرامت بر مبنای عدالت قابل قبول برای افغانها پرداخته شود و نسبت به دیگر کمکهای مالی به اولویت قرار داده شود.
- XV. نظر به شرعیت غرامت برای تمام قربانیان باید 1000 دینار (1 دینار = 2.25 گرام و یا 22 قیراط طلا) و یا 10.000 درهم (1 درهم = 3 گرام نقره) باشد به استثنای کسانی که محکمه افغانی ثابت نماید که آنها توسط اسلحه جنگ کرده بودند. از نگاه شان انسانی و مساوات، این میتواند برای افغانها قابل قبول باشد زیرا این نمایانگر اینست که یوناما به عدالت شرعی احترام قایل شده است.

مراحل مذاکرات صلح برای افغانها

- I. اظهار نامه تائیدی دوجانبه همزمان باید از جانب گروه های مخالف به جامعه جهانی صادر گردد، و توسط فرمانروا و یا رئیس کشور به حیث یک نهاد سازمان یافته سیاسی نمایندگی شود.
- II. نماینده های که برای اشتراک به مذاکرات صلح اجازه داده شوند باید یک نفر از ایالات متحده امریکا توسط رئیس کشور، رئیس جمهور اباما، معرفی شود و نماینده دیگر از امارت اسلامی افغانستان که سرپرست شان امیر المومنین ملا عمر میباشد و شخص سومی به توافق هر دو نماینده معرفی شده به حیث میانجی انتخاب شود.
- III. به هر دو جناح آدرس داده شود که امنیت اشخاص که در مذاکرات سهیم هستند تضمین گردد.
- IV. مذاکرات در کشور آغاز خواهد یافت که نماینده های با صلاحیت هر دو گروه در همانجا آدرس داشته باشند.
- V. به استثنائی مراحل ذکر شده، مذاکرات باید بدون تحمیل شرایط خاص آغاز شود.
- VI. تمام موضوعات برای مذاکره باید مفتوح باشد که آن شامل آتش بس، خروج نیروی های خارجی، قبول مشروعیت قانون اساسی فعلی و قطع ارتباط با القاعده است.
- VII. مذاکرات باید قطع نگردد و این راه باید همیشه بطور رسمی باز نگهداشته شود حتی اگر نبرد هم ادامه داشته باشد.
- VIII. تصمیم آخری توسط هر دو گروه گرفته خواهد شد که در آن وضعیت امارت اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی افغانستان نهایی میشود و یا هم تصمیم به افغانها سپرده خواهد شد که از طریق لویه جرگه و یا روش انتخاب اسلامی (اختیار الحکیم) سرنوشت شان را رقم بزنند.